



740E

740
E

نام :

نام خانوادگی :

محل امضاء :



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می شود.
امام خمینی (ره)

آزمون دانش‌پذیری دوره‌های فراگیر «کارشناسی ارشد» دانشگاه پیام نور

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی (کد ۱۳۱)

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	نظم فارسی (۱) - شاهنامه	۲۰	۱	۲۰
۲	نثر فارسی (۱) - تاریخ بیهقی	۲۰	۲۱	۴۰
۳	عربی (۱) - صرف و نحو	۲۰	۴۱	۶۰
۴	زبان تخصصی خارجی	۳۰	۶۱	۹۰

آذر ماه سال ۱۳۹۱

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

- ۱- معنی واژه‌های، ریمن، ریچار، پالهنک، کنام، فگار، به ترتیب کدام است؟
 (۱) مکار، مربا، ریسمن، خوابگاه، ریش
 (۲) حیلہ‌گر، نمک، تسمه، آشیانه، آزرده
 (۳) چرک، سبزی، کمند، جایگاه، مجروح
 (۴) دورویی، شربت، دوال، وطن، دل آزرده
- ۲- در ابیات زیر معنی واژه‌های مشخص شده به ترتیب کدام است؟
 الف: نه مرگ از تن خویش بتوان سپوخت
 ب: اگر هیچ سرخاری از آمدن
 ج: هر آن کس کجا بازماند ز خورد
 د: خورش دادشان لختکی از سبوس
 ه: به زاری و سختی بر آیدش هوش
 (۱) فروربردن، هرگز، خورش، راحتی، مرگ
 (۲) بیرون کشیدن، اندکی، خوردنی، سختی، جان
 (۳) دورکردن، کمی، جاودان، خوشی، هلاکت
 (۴) گذردادن، همواره، ابدی، ناتوانی، خرد
- ۳- کاربرد معنایی واژه‌ی «گر» (اگر) در کدام بیت متفاوت است؟
 (۱) نشاید بدین کار آهرمنی
 (۲) همه دشت سرتاسر آهرمن است
 (۳) کنون گرنباشی تو فریادرس
 (۴) همیشه به جنگ نهنگ اندراست
 با توجه به بیت:
- ۴- «بسی یاد دادندم از روزگار دمان از پس و من دوان خوار خوار» کدام گزینه نادرست است؟
 (۱) یک ترکیب وصفی در بیت می‌باشد.
 (۲) «م» در «دادندم» نقش متممی دارد.
 (۳) در بیت چهار قید وجود دارد.
 (۴) حذف فعل به قرینه‌ی معنوی صورت گرفته است.
- ۵- فعل «ماندن» در همهی ابیات به جز بیت در وجه متعدی به کار رفته است.
 (۱) از امروز کاری به فردا ممان
 (۲) پدر چون به فرزند ماند جهان
 (۳) یکی کم شود دیگر آید به جای
 (۴) چنو گرئیدی سام را دستبرد
 در بیت:
- ۶- «چو خورشید، تیز آتشی بفروخت بر آورد از آب و بر آتش بسوخت» «از آب» چه نقشی دارد و در کدام معنی به کار رفته است؟
 (۱) قیدی، بی‌درنگ (۲) متممی، شتابان (۳) قیدی، چاه (۴) متممی، سرد و یخزده
- ۷- آرایه‌های مقابل کدام بیت، نادرست است؟
 (۱) جهانی زپیری شده نوجوان
 (۲) برانگیخت رخس دلاور زجای
 (۳) نه خورشید شمشیر گردان بدید
 (۴) بتوفید شهر و برآمد خروش
 در همهی ابیات به استثنای بیت اغراق وجود دارد.
- ۸- (۱) بیامد به سان نهنگ دژم
 (۲) جهان سربه‌سرگشته دریای قار
 (۳) از این بیش‌تر نامداران گرد
 (۴) بدان زور هرگز نباشد هزبر
 در کدام بیت آرایه‌ی تشبیه وجود ندارد؟
- ۹- (۱) جهان آفریننده یار من است
 (۲) به دست وی اندر یکی پشاهام
 (۳) یکی پیلتن دیدم و شیر چنگ
 (۴) درفشش سیاه است و خفتان سیاه
- ۱۰- نوع قافیه در کدام بیت متفاوت از ابیات دیگر است؟
 (۱) گلاب است گویی به جویش روان
 (۲) نوازنده بلبل به باغ اندرون
 (۳) به پیش آمدندم همه سرکشان
 (۴) تو را جنگ ایران چو بازی نمود
- همه سبزه و آب‌های روان (تضاد، جناس)
 به چنگ اندرون نیزه‌ی جان ربای (تشبیه، ایهام)
 نه گردی به روی هوا بردمید (تشخیص، مراعات نظیر)
 تو گسفتی همی کر کُند نعره گوش (مجاز، اغراق)
- توگفتی زمین را بسوزد به دم
 برافروخته شمع از او صد هزار
 چوباد اندر آمد به خواری ببرد
 دوپایش به خاک اندرون سربه ابر
- دل و تیغ و بازو حصار من است
 وز آن آفرینش پُراندیشهام
 نه هوش و نه دانش، نه رای و درنگ
 از آهنش ساعسد وز آهن کلاه
- همی شاد گردد زبویش روان
 گرازنده آهو به راغ اندرون
 پس پشت، هرکس درفشی کشان
 زبازی سپه را درازی نمود

-۱۱

مفهوم کنایی «روی زرد کردن» در کدام بیت، نادرست است؟
 (۱) دگرباره بیدار شد خفته مرد
 برآشفت و رخسارگان کرد زرد (خشمگین شد)
 (۲) بشد لوری و گاو و گندم بخورد
 بیامد سرسسال رخساره زرد (رنجور شد)
 (۳) کنون چون شود روی خورشید زرد
 پدید آید آن چادر لاژورد (غروب کرد)
 (۴) یکی نامه بنوشته پُرداغ و درد
 دو دیده پر از آب و رخساره زرد (اندوهگین شد)

-۱۲

مفهوم کنایی در همی مصراع‌ها به استثنای مصراع درست است.
 (۱) بخائید رستم همی پشت دست: تأسف خوردن و پشیمان شدن
 (۲) چوتنگ اندر آورد با وی زمین: نزدیک شدن به کسی
 (۳) به یک دست آتش به یک دست باد: نابود شدن و از هستی ساقط گشتن
 (۴) تو گفتی که خورشید گم کرد راه: سرگشته و حیران شدن

-۱۳

در کدام بیت مفهوم پیشگویی و آینده‌نگری از زبان بزرگان و شاهزادگان، به دیگران مخابره می‌شده است؟
 (۱) گمانش چنان بد که گردان سپهر
 زگیتی مراورا نموده است چهر
 (۲) زمانه چو آمد به تنگی فراز
 هم از تو نگرده به پرهیز باز
 (۳) کنون آمد از کارشاه آگهی
 که تازه شد آن فر شاهنشاهی
 (۴) به روشن دل از دور بدها بدید
 که بروی زگردون چه خواهد رسید

-۱۴

مفهوم همی ابیات به استثنای بیت یکی است.
 (۱) به خواب اندر آمد سر روزگار
 زخوئی و از دادن شهریار
 (۲) برین بر نیامد بسی روزگار
 که بر گوشه‌ی گلستان رشت خار
 (۳) کس از آزمایش نیابد جواز
 نشیب آیدش چون شود برفراز
 (۴) چنین است کیهان ناپاک رای
 به هر بادخیره بجنبد زجای

-۱۵

مفهوم کنایی مصراع دوم در بیت زیر، چیست؟
 «تو با این سپه پیش من رانده‌ای همی گوز بر گنبد افشانه‌ای»
 (۱) از حدّ خود تجاوز کردن (۲) کار بیهوده کردن (۳) شکست خوردن (۴) عدم ثبات و تعادل در کار

-۱۶

مفهوم عبارات عربی زیر در همی ابیات به استثنای بیت وجود دارد. «ثُمَّ أَتَى مَكَانَ الْعِبَادَةِ وَ جَعَلَ يَنَاجِي رَبَّهُ وَ أَقَامَ كَذَلِكَ أَسْبُوعًا مِنَ الزَّمَانِ. ثُمَّ خَرَجَ فِي الْيَوْمِ النَّامِنِ وَ فَتَحَ أَبْوَابَ الْخَزَائِنِ وَ قَرَّقَ الْأَمْوَالَ ...»
 (۱) وز آن پس بیامد به جـای نماز
 همی گفت باداور پاک، راز
 (۲) به یک هفته بد پیش یزدان پاک
 همی با نیایش بیامود خاک
 (۳) به یک هفته چون کارها گشت راست
 می و جام زرین و میخواره خواست
 (۴) به هشتم در گنج‌ها کرد باز
 بیخشد آن را که بودش نیاز

-۱۷

معنی بیت زیر، کدام است؟
 «چنان بر گرفتم ز زین پلنگ که گفتم ندارم به یک پشه سنگ»
 (۱) چنان از زین اسب وحشی پریدم که انگار پشه‌ای بیش نبودم
 (۲) چنان مرا از زین اسب فرود آورد که گویی ارزش کمی داشتم
 (۳) آن چنان او را از زین اسبی که از چرم پلنگ بود، گرفتم که انگار مانند پشه سبک بال و بی‌وزن بودم
 (۴) آن چنان مرا از روی زینی که از چرم پلنگ بود، برگرفت که گویی هم وزن پشه هم نیستم.

-۱۸

با توجه به مفهوم، دو بیت زیر به کدام ماجرا در شاهنامه اشاره دارد؟
 «زگفتار او تیز شد مرد هوش بخت و گرفتش یکایک دو گوش
 بیفشرد و بر کند هر دو زبن نگفت از بدو نیک با او سخن»
 (۱) گفتار در منزل پنجم رستم به مازندران و داستان او با مرد دشتوان
 (۲) گفتار در منزل چهارم رستم به مازندران و داستان او بازن جادو
 (۳) گفتار در پادشاهی کیقباد و جنگ او با افراسیاب و شکست دادن او
 (۴) گفتار در منزل ششم رستم به مازندران و داستان او با اولاد و گرفتن او

-۱۹

مفهوم بیت:
 «هر آن کس که بینی زپیر و جوان تنی کن که با او نباشد روان» کدام است؟
 (۱) کسی را انتخاب کن که جادوگر نباشد
 (۲) از پیرو جوان همه را نابود کن
 (۳) از بین مردم، افراد عادی را برگزین
 (۴) تن پیرو جوان را از روان جداساز

۲۰- دیو سپید در همه‌ی ایات به استثنای بیت کیکاووس را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد.

- (۱) چو با تاج و با تخت نشکیدی
 - (۲) همی نیروی خویش را بیل مست
 - (۳) همان داسستان یاد باید گرفت
 - (۴) همی برزخی را نیا راستی
- خرد را بدین گونه بفریفتی
ندارد، نگردد از او موربست
که خیره بماند شگفت از شگفت
چرا گاه مازندران خواستی؟

نثر فارسی (۱) تاریخ بیهقی

۲۱- معنی مقابل کدام گزینه، با توجه به کاربرد آن‌ها در تاریخ بیهقی، درست است؟

- (۱) از من باز نمی‌شد: (مرا رها نمی‌کرد)
 - (۲) روی می‌کردند: (خجالت می‌کشیدند)
 - (۳) پیش چشم کردند: (به حضور طلبیدند)
 - (۴) او را رشته بر نتوانستی تافت: (کارایی لازم نداشت)
- ۲۲- مفهوم کنایی «فقیز پرشدن» کدام است؟

- (۱) سیرشدن
- (۲) مردن
- (۳) خستگی
- (۴) دلگیر شدن

۲۳- کدام گزینه نادرست است؟

(۱) یکی از تصانیف بیهقی کتاب زینة الکتاب است.

(۲) بیهقی در سال ۳۸۵ هجری در حارثا باد بیهق دیده به جهان گشود.

(۳) وفات بیهقی، در صفر سال ۴۵۰ هجری بود.

(۴) بیهق نام دیرینه‌ی بخشی از خراسان بوده است که شهر بزرگ آن اکنون سبزوار است.

۲۴- در کدام عبارت، اسم مکان از بن ماضی فعل ساخته شده است؟

(۱) روز چهارشنبه این علی را با صد و هفتاد تن بر دارها کشیدند. دور از ما

(۲) احمد از کمین‌گاه بازگشت و دور بازآمد تا آن صحرا که گذاره میدان عبدالرزاق است.

(۳) نامه‌ها باید نبشت به مرو و بلخ تا هشیار و بیدار باشند و سربیبان‌ها و گذرهای جیحون نگاه دارند.

(۴) خویشان را به پای آن دیوارها افکندند که به محلت دیه آهنگران پیوسته است و نهفتی جستند.

۲۵- در کدام عبارت، ضمیر متصل فاعلی (شناسه) از فعل معطوف علیه به قرینه‌ی فعل معطوف، حذف شده است؟

(۱) سواری چند پیش ما بازآمدند و چنان گفتند.

(۲) رخنه کردند آن باغ را و سوی هرات رفت.

(۳) بسیار از آن ملاعین کشته شدند و بسیار مسلمانان شهادت یافت.

(۴) و دیگر روز این مواکب و لشکرها بازگشت و برطرف هریو منزل کردند.

۲۶- «امیر رضی وی را بناوخت و منشور داد به موضع خراج حایطی که او داشت» یعنی امیر رضی
(۱) او را مورد محبت قرار داد و مالیات خانه‌ی او را کم کرد.

(۲) او را نوازشی کرد و تمام بوستان‌های اطراف خانه او را از مالیات معاف کرد.

(۳) برای دلجویی از وی دستور داد که مالیات باغش را برگردانند.

(۴) برای حذف و اسقاط خراج (مالیات) باغی که داشت، فرمان داد.

۲۷- «امیر رضی‌الله عنه، تنبیط فرونشاند و در مجلس چند قول آن روز بشنود از من؛ و هر روز به تدریج و ترتیب چیزی زیادت می‌شد» یعنی: امیرمحمد، خدا از او خشنود باد؛
(۱) سکوت و اندوه را کنار گذاشت، و کم کم با سخنان من آرامش خود را بازیافت.

(۲) آرام و اندوه را رها کرد و سخنان مرا در آن مجلس شنید و به تدریج حالش بهتر شد.

(۳) باز ایستادن از شنودن ترانه و درنگ در استماع قول را کنار گذاشت و آن روز چند ترانه از من شنید و روز به روز بهتر می‌شد.

(۴) از درخواست کمک و یاری دیگران ناامید شد و آرام آرام به حالت عادی بازگشت و به استماع ترانه و شعر علاقه‌مند شد.

۲۸- معنی کدام عبارت، درست است؟

(۱) او را استمالتی کنیم: او را گوشمالی دهیم.

(۲) بی‌مثال وی کسی بر قلعت نتوانستی شد: بی‌اجازه‌ی او، رفتن به دژ ممکن نبود.

(۳) طمع دارم به فضل ایشان که مرا از میرمان نشمارند: انتظار دارم مرا نادان فرض نکنند.

(۴) تدبیر این نواحی به واجبی ساخته آید: این نواحی حتماً باید آباد بشود.

۲۹- معنی کدام واژه، نادرست است؟

- (۱) مخف: ترسناک
- (۲) راعی: والی
- (۳) نَهمت: حاجت و مراد
- (۴) اَهِیت: سازوساختگی کار

- ۳۰- عبارت زیر، معرف کدام شخصیت در تاریخ بیهقی است؟
 «او یگانه‌ی روزگار بود در ادب و لغت و شعر» باز به زمان سلطان مسعود شغل عرض به وی محوّل شد.
 (۱) محمدبن حسن زوزنی
 (۲) فخرالدوله ابوالحسن علی
 (۳) امیر یوسف، عم سلطان مسعود
 (۴) خواجه علی میکائیل
- ۳۱- وزیر امیر محمد در مدت هفت ماه فرمانروایی او، چه کسی بود؟
 (۱) بوسهل زوزنی
 (۲) بوسهل حمدوی
 (۳) حسن سلیمان
 (۴) ابوالعباس اسفراینی
- ۳۲- بنابر پژوهش استاد بزرگ سبک‌شناسی، ملک‌الشعراء بهار، بیهقی تدوین و نگارش تاریخ را در سالگی به سال آغاز کرد و در فرصت بیست و دو ساله‌ی آخر زندگی این کار سترگ را به پایان آورد.
 (۱) ۴۴۸ - ۷۳
 (۲) ۴۷۰ - ۶۳
 (۳) ۴۴۸ - ۶۳
 (۴) ۴۷۰ - ۷۳
- ۳۳- متن زیر، توصیف اواخر کار حکومتی کدام‌یک از شخصیت‌های درباری است؟
 «و بهانه‌ی خردمندان، که زبان فرا این محتشم بزرگ توانستند کرد آن بود که گفتند: «وی را به امیر نشاندن و امیر فروگرفتن چه کار بود؟» و چون روزگار او بدین سبب به پایان خواست آمد، با قضاء چون بر آمدی؟»
 (۱) علی قریب
 (۲) علی ریاض
 (۳) بونصر مشگان
 (۴) خوارزمشاه آلتونتاش
- ۳۴- «ان الامور اذا الاحداث دبرها دون الشيوخ تری فی بعضها خللا» یعنی:
 (۱) همانا جوانان کارها را بهتر انجام می‌دهند و در کار پیران، سستی می‌بینی
 (۲) جوانان به تدبیر پیران محتاجند، در حالیکه پیران، کارها را به درستی انجام می‌دهند.
 (۳) تدبیر امور، بدون راهنمایی پیران و سعی و تلاش جوانان، به فرجام درست نمی‌رسد.
 (۴) همانا چون جوانان نآزموده به تدبیر کارها پردازند نه پیران جهان‌دیده، در بعضی از امور تباهی و رخنه‌ای بینی
- ۳۵- «زمین داور» در عبارت: «امیر محمود به غزو غور رفت بر راه زمین داور از بست.» در کدام گزینه به درستی تعریف شده است؟
 (۱) قریه‌ای است در حدود هرات
 (۲) به قول یاقوت، قریه‌ای است از هرات
 (۳) دره‌ی وسیعی که رود هیرمند از جبال هندوکش تا بست در آن جاری می‌شود.
 (۴) ناحیه کوهستانی میان هرات و غزنه که امروز به نام کوه بابا و کوه سفید خوانده می‌شود.
- ۳۶- کدام گزینه از عبارت زیر، دریافت نمی‌شود؟
 «هزیمتیان چون به دیه رسیدند، آنرا حصار گرفتند و دست به جنگ بردند و آن جنگ بداشت تا نماز شام و چون شب تاریک شد آن ملاعین بگریختند و دیه بگذاشتند. بامداد امیر قصد حصارشان کرد - و بر دو فرسنگ بود، بسیار مضایق ببايست گذاشت - تا نزدیک نماز پیشین را آن جا رسیدند»
 (۱) فراریان جنگ را تا نماز مغرب ادامه دادند.
 (۲) فراریان چون به ده رسیدند آن را محاصره کردند.
 (۳) آن ملعون‌ها در تاریکی شب ده را رها کردند و گریختند.
 (۴) پگاه امیر خواست آن‌ها را محاصره کند از گذرگاه‌های سخت گذشتند و نماز ظهر به آن جا رسیدند.
- ۳۷- کدام کلمه در عبارت: «در میش بت از بن دندان بلاحمر و لاجر قلعتها را به کوتوالان امیر سپرد» بی‌معنی به نظر می‌رسد؟
 (۱) بلاحمر
 (۲) لاجر
 (۳) کوتوال
 (۴) قلعت
- ۳۸- مفهوم کنایی کدام گزینه، درست است؟
 (۱) «کسی را فراکردن»: کسی را ناامید کردن
 (۲) «رشته یکتا شدن»: بی‌پشتیبان شدن
 (۳) «تضریب ساختن»: دو برابر کردن
 (۴) «طبل در زیر گلیم زدن»: نقشه جنگ کشیدن
- ۳۹- در کدام عبارت ویژگی سبکی دیده نمی‌شود؟
 (۱) چون از خلیفه این بشنودم، عقل از من زایل شد.
 (۲) آن‌نامه‌ها فردا بتوان نبشت که چیزی از دست می‌نگردد.
 (۳) سخن و توقیع تو در شرق و غرب روان است.
 (۴) فصلی خواهم نبشت در ابتدای این حال بردار کردن این مرد و پس به سر قصه شد.
- ۴۰- مفهوم کنایی بیت زیر، چیست؟
 «فلسنا علی الاعقاب تدمی کلومنا ولكن علی اقدامنا تقطر الدما»
 (۱) بر دشمن می‌بخشم و انتقام نمی‌گیریم.
 (۲) خون ما بر زانوان ما می‌چکد.
 (۳) خون زخم‌های ما بر پاشنه‌های ما می‌ریزد.
 (۴) بردشمن می‌تازیم، نه می‌گریزیم.

■ ■ عَيْن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي (٤١ - ٤٦)

٤١ - ﴿ فليضحكوا قليلاً و ليبكوا كثيراً جزاءً بما كانوا يكسبون ﴾:

- ١) ما: اسم غير متصرف - موصول عام أو مشترك - معرفة / مجرور محلاً بحرف الجر؛ بما: جار ومجرور و متعلقهما شبه فعل «جزاء» و عائد الصلة الضمير المحذوف في «يكسبون»
- ٢) قليلاً: مفرد مذكر - مشتق و صفة مشبهة (مصدره: قلّة) - نكرة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / حال مفردة و منصوب، و صاحب الحال ضمير الواو في «يضحكوا»
- ٣) يبكوا: للغائبين - معتل و ناقص (إعلاله بالحذف) - متعّد - مبني للمعلوم / فعل مجزوم بلام الأمر و علامة جزمه حذف حرف العلة
- ٤) جزاء: اسم - مفرد مؤنث - جامد (مصدر) - نكرة - معرب - ممدود - ممنوع من الصرف / مفعول لأجله و منصوب

٤٢ - «أحمد الله و أستعينه على مزاجر الشيطان و الاعتصام من حباله!»:

- ١) الله: لفظ الجلالة - اسم - مفرد مذكر - جامد (غير مصدر) - معرف بالإضافة - معرب - صحيح الآخر / مفعول به و منصوب تقديراً
- ٢) الاعتصام: اسم - مفرد مذكر - مشتق و صفة مشبهة - معرف بال - معرب - صحيح الآخر - منصرف / معطوف و مجرور بالتبعية
- ٣) مزاجر: جمع تكسير (مفرده: مزجرة، مؤنث) - معرف بالإضافة - معرب - ممنوع من الصرف / مجرور بحرف الجر، على مزاجر: جار و مجرور و متعلقهما فعل «أحمد»
- ٤) أستعين: مضارع - للمتكلم وحده - مزيد ثلاثي من باب استفعال - معتل و أجوف (إعلاله بالإسكان) - متعّد - مبني للمعلوم / فعل مرفوع و فاعله ضمير «أنا» المستتر فيه وجوباً

٤٣ - «أرجو من حلمك أن تصفح عن ذنبي لم أقرّفه عمداً!»:

- ١) أرجو: فعل مضارع - للمتكلم وحده - مجرد ثلاثي - معتل و ناقص (إعلاله بالإسكان بحذف الحركة) - معرب / فعل و مرفوع محلاً ، و فاعله الضمير المستتر فيه جوازاً تقديره «أنا» و الجملة فعلية
- ٢) تصفح: للمخاطب - مبني للمعلوم - معرب / فعل منصوب بحرف «أن» و فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت» و الجملة مصدر مؤول و مفعول به لفعل «أرجو» و منصوب محلاً
- ٣) أقرّرف: مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب افتعال - متعّد - مبني للمعلوم / فعل و مع فاعله جملة فعلية و نعت و مجرور محلاً بالتبعية للمنعوت، و رابطها ضمير «أنا» المستتر
- ٤) عمداً: مفرد مذكر - مشتق و صفة مشبهة - نكرة - معرب - صحيح الآخر - منصرف / حال مفردة و منصوب و هو مؤول إلى المشتق «عامداً»

٤٤ - « بله هذا التواني، فكلّ توانٍ مُبِيد الطاقات! »:

- (١) هذا: اسم إشارة للقريب - معرفة - مبني على السكون/ مفعول به لاسم الفعل «بله» و منصوب محلاً
- (٢) بله: اسم فعل منقول و قياسي بمعنى الأمر - لازم - مبني على الفتح / فاعله الضمير المستتر فيه وجوباً تقديره «أنت» و الجملة فعلية
- (٣) التواني: مفرد مذكر - جامد و مصدر (من باب تفاعل) - معرب - منقوص - ممنوع من الصرف/ عطف بيان و منصوب بفتحة مقدّرة بالتبعية
- (٤) الطاقات: جمع سالم للمؤنث - مشتق و اسم فاعل - معرف بال - معرب - صحيح الآخر / مضاف اليه و مجرور في اللفظ، و في المعنى مفعول به و منصوب محلاً

٤٥ - « اجتمعت أمس ببعض أصدقائي العلماء الذين بدّوا ظلمات الغباوة عن الأذهان! »:

- (١) أمس: اسم - مفرد مذكر - جامد - معرب - صحيح الآخر - منصرف/ ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان و منصوب محلاً
- (٢) أصدقاء: جمع تكسير (مفرد: صديق، مذكر) - مشتق و صفة مشبهة (مصدره: صداقة) - ممدود - منصرف/ مضاف إليه و مجرور محلاً
- (٣) الذين: اسم - موصول خاصّ أو مختصّ - لجمع المذكر - معرفة - مبني على الفتح / نعت مفرد و مؤول إلى المشتق و مجرور محلاً بالتبعية للمنوع «أصدقاء»
- (٤) بدّوا: مزيد ثلاثي من باب تعقل - صحيح و مضاعف (إدغامه جائز) - لازم - مبني للمعلوم - مبني على الضمّ / فعل و فاعله ضمير الواو البارز، والجملة فعلية و صلة و عائدها ضمير الواو

٤٦ - « باشر أخوك العمل و لما يمرّه على محكّ الفكرة! »:

- (١) لما: اسم غير متصرف - من الأسماء الملازمة للإضافة - مبني على السكون/ ظرف غير متصرف أو مفعول فيه للزمان و منصوب محلاً، و متعلّقه فعل «باشر»
- (٢) محكّ: مفرد مذكر - مشتق و اسم آلة (مصدره: حكّ) - معرف بالإضافة - معرب / مجرور بحرف الجرّ؛ على محكّ: جار و مجرور و متعلّقهما فعل «يمرّ»
- (٣) يمرّ: مضارع - مزيد ثلاثي من باب تفعيل - صحيح و مضاعف (إدغامه جائز) - متعدّد - مبني للمعلوم/ فعل مجزوم و فاعله ضمير «هو» المستتر
- (٤) باشر: ماضٍ - مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد من باب مفاعلة - معتل و أجوف (إعلاله بالقلب)/ فعل و فاعله «أخوك» و الجملة فعلية

■ ■ عین الصحيح في التشكيل (٣٤ - ٣٦)

٤٧ - « لا يسعى هذا الفتى سعي نوي الهمم، غير أنّ فكره نعم الفكر السامي! »:

- (١) نوي - الهمم - فكره - الفكر
- (٢) الفتى - سعي - الهمم - السامي
- (٣) سعي - نوي - غير أنّ - نعم
- (٤) يسعى - الفتى - غير إنّ - الفكر

- ٤٨ - « أجاد الخطباء في خطبهم و لا سيّما الخطيب الذي كنا نعرفه من قبل! »:
- (١) الخطيب - الذي - كنا - نعرفه
(٢) خطبهم - سيّما - الخطيب - نعرف
(٣) أجاد - الخطباء - سيّما - الخطيب
(٤) الخطباء - خطبهم - الخطيب - كنا
- ■ عيّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (٤٩-٦٠)
- ٤٩ - عيّن الخطأ في إملأ الهمزة:
- (١) رزء - برائة - نسيأة - سنوال
(٢) يسأم - تهدئة - كرائم - رؤوف
(٣) مؤبد - أجراً - رئال - هيئة
(٤) فيء - فئات - مأخذ - شيء
- ٥٠ - عيّن ما يمتنع فيه الإعلال كلها:
- (١) استعار - يقول - يُفيد
(٢) أعور - مقول - أفود
(٣) أجاد - يروم - أشيب
(٤) أجود - نال - يجود
- ٥١ - عيّن ما يمكن أن يُبنى منه أفعال التفضيل:
- (١) اجتهد
(٢) ذكر
(٣) بصر
(٤) اسود
- ٥٢ - عيّن الحرف المضارع مضموماً في كل الأفعال:
- (١) أفنع - استقبل - باشر - تفاهم
(٢) دحرج - تجرع - استمر - جلس
(٣) تزلزل - تعلّم - اجترأ - كاتب
(٤) زلزل - أقبل - علم - جادل
- ٥٣ - عيّن الماضي يدلّ على الحال:
- (١) قال البائع في الذكان: بعثك سيّارتي!
(٢) بادر العمل حينما عزمتم عليه و لا تفتت فرصة!
(٣) إن علمت كم يضرك الكسل لابتعدت عنه!
(٤) رحم الله امرأً رحم أخاه و لم يصعب عليه!
- ٥٤ - عيّن الخطأ في إعراب المضارع:
- (١) اجتهدوا أيها الطلبة تتجحوا في الامتحانات!
(٢) ما كان المتكاسلون لينجحون في الامتحان!
(٣) ما كانت المتكاسلات لينجحن في الامتحانات!
(٤) اجتهدن أيّتها الطالبات، تتجحن في الامتحان!
- ٥٥ - « المؤمنون يرحمهم الله في الآخرة! ». عيّن الصحيح في البناء للمجهول:
- (١) المؤمنون يُرحمون من الله في الآخرة!
(٢) يُرحم المؤمنون في آخرتهم!
(٣) المؤمنون يُرحمون في الآخرة!
(٤) يُرحمون المؤمنون في آخرتهم!
- ٥٦ - عيّن الخطأ في أفعال المقاربة:
- (١) عسى الله أن يفرّج عنا!
(٢) كاد الفقر أن يكون كفراً في الدنيا!
(٣) حرى المريض أن يُشفى!
(٤) شرع الشاعر أن ينشد قصيدته!
- ٥٧ - « هي صادقة في العمل! ». عيّن الخطأ في صياغة التعجب:
- (١) ما أصدق هي ...!
(٢) ما أصدقها ...!
(٣) أصدق بها ...!
(٤) لله درّها صادقة ...!

٥٨- عَيْنُ الخَطَأِ:

- ١) كانت عندي أربع أقلام أكتب بها تمارين الهندسة و الحساب!
- ٢) إذا تتقضي من سنوات عمرك مئات الأيام فإنك لن تنسى أيام طفولتك!
- ٣) إنني قرأت دروسي ست مرات في الأسبوع فحصلت على الدرجة الممتازة!
- ٤) عندنا في الصف ثلاثة و عشرون طالباً ندرس و نطالع معاً و قد نختلف مع بعض!

٥٩- عَيْنُ الخَطَأِ في التأكيد:

- ١) لم يحضر الأساتذة كلهم في الكلية!
- ٢) حضرت الطالبتان أنفسهم في الصف!
- ٣) رأيت الطالبتين كليهما في المكتبة!
- ٤) شارك المؤمنون أنفسهم في الصلاة!

٦٠- عَيْنُ الخَطَأِ في المنادى:

- ١) يا صادق في كلامه؛ طوبى لك!
- ٢) يا حسن بن تقي؛ تفضل عندي!
- ٣) يا تقي بن أختي...!
- ٤) يا زميلتنا فاطمة و مريم...!

زبان تخصصی خارجی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence, and then mark the correct choice on your answer sheet.

- 61- Which literary term can match the following definition?
"original or ideal model from which others are copied."
1) archetype 2) decorum 3) meter 4) rhyme
- 62- His reasoning is based on the ----- that all people are equally capable of good and evil.
1) content 2) premise 3) incense 4) confession
- 63- A particular kind of poem that laments the transitory nature of life and beauty is -----.
1) topos 2) epics 3) ubi sunt 4) leitmotif
- 64- In literature, carpe diem is -----.
1) traditions or customs of a community
2) a dominant and recurring theme in a novel
3) a recurrent thematic element in an artistic or literary work
4) the admonition to seize the pleasure of the moment without thought for the future
- 65- He will be ----- as president in January because he won the vote.
1) inaugurated 2) persuaded 3) chanted 4) disregarded
- 66- A medieval verse tale characterized by comic, ribald themes drawn from life is a -----.
1) tale 2) fabliau 3) fable 4) novelette
- 67- A genre of prose fiction that originated in Spain and depicts in realistic detail the adventure of a hero is a/an -----.
1) episode 2) romance 3) picaresque novel 4) bildungsroman
- 68- A second phase in the poet's life begins in 1353 after a/an ----- struggle between the Indju and Musaffarid dynasties.
1) sensuous 2) immense 3) unsurpassed 4) protracted

- 69- Only slowly did Tolstoy return to the writing of fiction, now regarded entirely as a means of presenting his -----.
- 1) creed 2) artillery 3) reign 4) futility
- 70- The book does not ----- to be a complete history of the period.
- 1) disgust 2) purport 3) revive 4) conceive

PART B: Cloze Test

Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space, and then mark the correct choice on your answer sheet.

Tolstoy's next long novel, *Anna Karenina* resumes this second thread of war and peace. It is a novel of (71) ----- manner, a narrative of suicide. The work ends with a promise of (72) -----, with the ideal of a life in which we should "remember God". (73) ----- Anne Karenina also anticipates the approaching (74) ----- in Tolstoy's life. When it came, with the sudden revulsion he describes in *A confession* (1879), he (75) ----- his earlier books and spent the next years in writing pamphlets and tracts expounding his religion.

- 71- 1) constructed 2) syntactic 3) recognition 4) contemporary
- 72- 1) salvation 2) conversion 3) recognition 4) war
- 73- 1) Whereas 2) Thus 3) But 4) However
- 74- 1) period 2) prominence 3) crisis 4) repertoire
- 75- 1) praised 2) dedicated 3) recommended 4) condemned

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following passages and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4), and then mark the correct choice on your answer sheet.

Passage 1:

The two great epics that have made Homer's name supreme among poets may have been fixed in something like their present form before the art of writing was in general use in Greece; it is certain that they were intended not for reading but for oral recitation. The earliest stages of their composition date from around the beginnings of Greek literacy, the late eighth century B.C. The poems exhibit the unmistakable characteristics of oral composition.

The oral poet had at his disposal not reading and writing but a vast and intricate system of metrical formulas – phrases that would fit in at different places in the line—and a repertoire of standard scenes (the arming of the warrior, the battle of two champions) as well as the known outline of the story. Of course he could and did invent new phrases and scenes as he recited – but his base was the immense poetic reserve created by many generations of singers who lived before him. When he told again for his hearers the old story of Achilles and his wrath, he was recreating a traditional story that had been recited, with variations, additions, and improvements, by a long line of predecessors. The poem was not, in the modern sense, the poet's creation, still less an expression of his personality. Consequently, there is no trace of individual identity to be found in it; the poet remains as hidden behind the action and speech of his characters as if he were a dramatist.

The Iliad and the Odyssey as we have them, however, are unlike most of the oral literature we know from other times and places. The poetic organization of each of these two epics, the subtle interrelationship of the parts, which create their structural and emotional unity, suggests that they owe their present form to the shaping hand of a single poet, the architect who selected from the enormous wealth of the oral tradition and fused what he took with original material to create, perhaps with the aid of the new medium of writing, the two magnificent ordered poems known as the Iliad and the Odyssey.

Of the two poems the Iliad is perhaps the earlier. Its subject is war; its characters are men in battle and women whose fate depends on the outcome. The war is fought by the Achaeans against the Trojans for the recovery of Helen, the wife of Achaean chieftain Menelaus. In particular it deals with the wrath of Achilles, the special hero of the poem. The other Homeric epic, the Odyssey, is concerned with the peace that followed the war and in particular with the return of the heroes who survived. Its subject is the long, drawn-out return of one of the heroes, Odysseus of Ithaca, who was destined to spend ten years wandering in unknown seas before he returned to his rocky kingdom.

- 76- **What is the passage mainly about?**
1) The theme of two poems
2) Two famous Greek authors
3) The early stages of Greek literacy
4) Homer as the author of two epics
- 77- **What statement is not true?**
1) The Iliad was made before the odyssey.
2) Homer invented new scenes while he recited the poems.
3) Two master pieces of Homer depict characteristics of oral composition.
4) The Iliad and the odyssey are similar to other oral literature.
- 78- **The phrase "at his disposal" in the second paragraph is closest in meaning to -----.**
1) available
2) getting rid of something
3) made to be thrown away
4) in a particular way
- 79- **Homer wrote both epics in the -----.**
1) 18th century B.C 2) 8th century B.C 3) 18th century A.D 4) 8th century A.D
- 80- **The subject of the Iliad is -----.**
1) pride 2) love 3) battle 4) peace
- 81- **Homer's Odyssey describes -----.**
1) the return of the hero 2) the wrath of Achilles
3) the recovery of Helen 4) the war between Trojans and Achaeans
- 82- **Each of these two epics has the ----- organization.**
1) comic 2) poetic 3) tragic 4) romantic
- 83- **Which statement has not been made in the passage?**
1) These poems were intended for oral composition.
2) The Achaeans fought against the Trojans in the Iliad.
3) Homer was believed to be blind because in his Odyssey the hero was blind.
4) Homer was recreating the story when he told the old story of Achilles for his hearers.

Passage 2:

An essay is any brief composition in prose that undertakes to discuss a matter, expresses a point of view, or persuade us to accept a thesis on any subject whatever. The essay differs from a "treatise" or "dissertation" in its lack of pretension to be a systematic and complete exposition, and in being addressed to a general rather than a specialized audience; as a consequence, the essay discusses its subject in nontechnical fashion, and often with a liberal use of such devices as anecdote, striking illustration, and humor to augment its appeal.

A useful distinction is that between the formal and informal essay. The formal essay is relatively impersonal: the author writes as an authority, or at least as highly knowledgeable, on the subject and expounds it in an ordered and thorough fashion. Examples will be found among the serious articles on current topics and issues in any of the magazines addressed to a thoughtful audience – *Harper's*, *Commentary*, *Scientific American*, and so on. In the informal essay (on "familiar" or "personal essay"), the author assumes a tone of intimacy with his audience, tends to be concerned with everyday things rather than with public affairs or specialized topics, and writes in a relaxed, self-revelatory, and often whimsical fashion.

Montaigne coined the word essay when, in 1580, he gave the title *Essais* to his first publication. Francis Bacon, late in the 16th century, inaugurated the English use of the term in his own series of *Essays*, such as "of Truth", "Of Adversity", etc. Alexander Pope adopted the term for his expository compositions in verse, the *Essay on Criticism* and the *Essay on Man*, but the verse essay has had few exponents after the 18th century. Addison and Steel's *Tatler* and *Spectator* gave the prose essay its standard modern vehicle, the literary periodical. In the early 19th century the founding of new types of magazines gave great impetus to the writing of essays, and made them a major department of literature. In our time the many periodicals pour out scores of essays every week.

84- What is the main idea of this passage?

- 1) The introduction and classification of essay
- 2) The major department of literature in the 19th century
- 3) formal and informal essays
- 4) Essays S in 1580

85- The word "augment" in the first paragraph means -----.

- 1) coin
- 2) enhance
- 3) assume
- 4) adopt

86- The formal essay is ----- and the informal essay is -----.

- 1) impersonal – technical
- 2) non-technical – personal
- 3) impersonal – personal
- 4) personal – impersonal

87- The difference between an essay and a dissertation is in having -----.

- 1) serious tone rather than humor
- 2) thorough fashion rather than whimsical fashion
- 3) technical terms rather than non-technical
- 4) general audience rather than specialized audience

88- In the 16th century, the beginner of the English use of the word essay in his own *Essays* was -----.

- 1) Bacon
- 2) Pope
- 3) Addison
- 4) Steel

89- *Essay on Criticism* is in the form of -----.

- 1) book
- 2) verse
- 3) anecdote
- 4) illustration

90- The essay is a short composition in prose in which striking illustration and ----- are used to increase its appeal.

- 1) satire
- 2) irony
- 3) humor
- 4) metonymy